

**فصل اوّل:**

**کلیّات طرح**

## ۱-۱ بیان مسئله:

تاریخ اسلام سرچشمه تفکر متفکران مسلمان و دلیلی برای ایجاد تحرک در بین نیرو های سیاسی جوامع اسلامی است، اندیشه اتحاد که از هنگام ظهور اسلام به عنوان یک عقیده در جامعه اسلامی رشد پیدا کرده بود همواره از ارزش های سیاسی الهام می گیرد که ریشه دینی دارد .

اگر جمعیت جهان را حدود هفت میلیارد نفر در نظر بگیریم، تقریباً یک میلیارد و نیم آنرا مسلمانان پوشش می دهند، ظاهراً مسلمانان به مثابه اشباح<sup>۱</sup> هم می توانند ترسناک ظاهر شوند و هم امتی متفرق. تفرقه آنها از اتحادشان به دلایل اندیشه ای، سیاسی و اجتماعی و حتی اقتصادی بیشتر است.

مؤمنان معدود لیک ایمان یکی      جسمشان معدود لیکن جان یکی

لیک یک باشد همه انوارشان      چون که برگیری تو دیوار از میان

چون نماند خانه ها را قاعده      مؤمنان مانند نفس واحده<sup>۲</sup>

استعمار از همین عوامل گسست سود جسته و در جنگ های جهانی اول و دوم توانست بر اکثر کشورهای جهان اسلام سیطره پیدا نماید. چرا چنین شد؟

وابستگی اکثر کشورهای اسلامی از جنبه های مختلف به غرب؛ قدرت هر نوع تصمیم گیری درباره سرنوشت مسلمانان و مصالح اسلامی را از آنان سلب نمود؛ این وابستگی به لحاظ قلمرو علاوه بر بُعد فرهنگی، در ابعاد سیاسی و اقتصادی نیز وجود دارد. در بُعد اقتصادی باید در نظر داشت که کشورهای اسلامی غالباً دارای اقتصاد کشاورزی هستند و در صادرات تولیدات ملی خود به قطب های استعماری ( کشورهای شمال ) وابسته اند، بدون اتکاء به بیگانگان حتی در تهیه مواد اولیه حیاتی خود نیز عاجزند، هرچند در این رابطه برخی از کشورهای اسلامی از این قاعده خارج هستند؛ ولی غالب آنان در چنین وضعیتی به سر می برند و از نظر اصل

۱ - بابی سعید، هراس بنیادین (اروپا مداری و ظهور اسلام گرای)، ترجمه غلامرضا جمشیدی ها و موسی عنبری (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۹)

۲ - مولانا جلال الدین محمد بلخی (مولوی)

سرمایه ملی و نیز کمیّت واردات و صادرات خود با مشکلات فراوانی روبرو هستند، در این راستا هرچند صادرات خوبی هم داشته باشند اما با مشکل محدودیت بازار و انباشت انبارهایشان از کالای کشورهای قدرتمند مواجه اند. حاکمان ممالک اسلامی نیز تنها راه حل این بحران شدید را در اتکاء به بیگانگان و استفاده از قدرت مالی و اقتصادی آنان می دانند؛ به این علت هرگونه ارتباط با سایر کشورهای اسلامی را بیهوده می-پندارند.

بعد دیگر این وابستگی در عرصه سیاست بروز پیدا می کند، اکثر قریب به اتفاق دولتمردان کشورهای اسلامی دست نشانده قدرت های سلطه گردو به دلیل اینکه تنها راه حل بحران های داخل و خارجی خود را وابستگی محض می دانند، مسأله تقریب مذاهب و انسجام اسلامی و... به حاشیه رانده می شود، طبعاً در چنین فضایی طرح مسائل تقریبی با مقاومت های شدیدی مواجه می گردد.

استعمار از طریق دولت های اسلامی وابسته و وسایل ارتباط جمعی قدرتمند خود همواره در راستای استیلای فرهنگی خود و حاکمیت همه جانبه بر این کشورها گام بر می دارد و راهکارهای بسیار مرموزی را برای این هدف تدارک دیده، از هر وسیله ای برای عقب نگه داشتن امت اسلامی استفاده می کند.

به عنوان نمونه وزارت امور خارجه انگلستان درخصوص ارتباط با کشورهای اسلامی دیدگاه خود را نسبت به شرایط موجود در قالب بیانیه ای این گونه تبیین و راهکارهایی ارائه می دهد:

«... مدیریت روابط با کشورهای اسلامی و ملل مسلمان یکی از چالش های مهم و استراتژیک جهان غرب، طی دهه آینده و پس از آن خواهد بود. جهان غرب باید شناخت مذهبی و انگیزه های میانی ناشی از آن را پی گیری کند. علی رغم اشتراکات ارزشی موجود در مذاهب، اهمیت پاسخ دادن به تعامل میان دموکراسی های

غربی، با کشورهای اسلامی به سرعت رو به افزایش است؛ به همین دلیل تنظیم روابط با کشورهای اسلامی و مسلمانان یکی از مهم ترین چالش‌های راهبردی انگلیس و جهان غرب در آینده خواهد بود<sup>۱</sup>.

فرمانده نیروهای ناتو، هنگام ترک بروکسل (مرکز اتحادیه ناتو) در سال ۱۹۹۲ م ۱۳۷۱ ش اعلام کرد: «ما جنگ سرد را از روسیه کمونیست بردیم، حال می‌توانیم پس از یک کجروی هفتاد و نه ساله به نبرد واقعی خود با قدمت ۱۴۰۰ ساله که همانا رویارویی با اسلام است، بازگردیم<sup>۲</sup>». این گونه سخنان نشان آغاز دوران و شیوه جدید در برخورد با اسلام سیاسی و مسلمانان می باشد که می توان به عنوان استعمار: «فرانو» مطرح کرد که همان استراتژی جدید غرب در برابر اسلام و مسلمین می باشد.

پس می‌توان گفت، استعمار از هر راه ممکن جهت تسلط بر جوامع اسلامی استفاده کرده، در راستای نابود ساختن دستاوردهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... آنها می‌کوشد. مسلماً از بین بردن جریان تقریب مذاهب اسلامی به عنوان مهمترین عامل انسجام اسلامی، هدف اصلی عناصر استعماری است؛ به عنوان مثال دامن زدن به اختلافات مذهبی، فرقه ای، نژادی و... نمونه‌هایی از این توطئه‌ها است که مانع جدی بر سر راه تقریب مذاهب اسلامی هست. به نظر می رسد راه حل این مسئله، بازگشت مسلمانان به سوی آموزه‌های حقیقی اسلام و قرآن است که آنها را امت واحد خوانده است.

در حال حاضر جامعه و امت اسلامی به ملت‌های مختلف تقسیم شده است و هر ملتی کشور خاص خود را دارد، نظام‌های حاکم بر سرزمین‌های اسلامی نیز تقریباً به طور کلی بر مبانی، فلسفه و سیاست غرب استوارند، حتی در مواردی که اصطلاح اسلامی یا قوانین اسلامی در قانون اساسی این سرزمین‌ها به کار می‌رود، جنبه تشریفاتی و ظاهری دارد.

---

۱ - «مقاله: جهان یک دهه آینده دیدگاه بلند مدت و استراتژیک انگلستان» به نقل از صمیمی - سید رشید، راه انسجام، مرکز پژوهش‌های

صدا و سیما چاپ اول

۲ - مجله گفت و گو، ش ۷، بهار ۱۳۷۳ ص ۱۲۰ - راه انسجام، ص ۳۱

اگرچه ممکن است حاکم سرزمین مسلمان و یا افراد و گروه‌هایی باشند که قوانین اسلامی را در زندگی فردی و اجتماعی خود رعایت می‌کنند؛ ولی این مقدار برای پیوستن به کاروان امت اسلامی کافی نیست؛ بلکه سرزمین‌های اسلامی باید دارای سیستم حکومتی نیرومندی باشند که بدون وابستگی به بیگانگان، در روند انسجام و تقریب بین مذاهب اسلام، تأثیر گذار باشند و این پراکندگی سیاسی و جغرافیایی موجب ویرانی اندیشه‌ها نگردد؛ در حالی که جوامع اسلامی، فاقد چنین ابزار قوی و نیرومندی هستند.

نظام سیاسی کشورهای اسلامی باید براساس فلسفه سیاسی، موازین و حقوق مستقل اسلامی استوار باشد. در شرایط فعلی کشورهای مسلمان هم کم و بیش بر اساس ملیت<sup>۱</sup> (در برابر امت) در مفهوم غربی آن، با اهداف مادی و بر مبنای فلسفه و ایدئولوژی غیر دینی استوار و از نظام اسلامی محرومند؛ همانگونه که یک متخصص حقوق سیاسی مسلمان دارای دو شخصیت متضاد است، کشورهای اسلامی نیز دارای دو شخصیت حقوقی (سیاسی و مذهبی) متضادند که دائماً با یکدیگر در جنگ و ستیزند. یقیناً دین اسلام توحید محور است و بر پایه امت واحده که پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> بنیان نهادند استوار است، در صورتی که برخی از کشورهای اسلامی عموماً می‌کوشند، نظام سیاسی خود را لائیک و سکولار و دنیاگرا و مادی محض معرفی نمایند و یا بر پایه ناسیونالیسم «به مفهوم غربی» جلوه دهند. این از جمله میراثی است که استعمار در دو شکل متفاوت خود برای این کشورها برجای نهاده است. این دسته از کشورهای مسلمان در دوره استعمار جدید به طور غیر مستقیم و بر اساس ایدئولوژی، نظام سیاسی، و فلسفه‌های سیاسی غرب اداره می‌شوند و از استقلال در ایدئولوژی سیاسی کاملاً محرومند، مخصوصاً که استعمار نو، نظام سیاسی خاص خود را به دست یک یا چند

---

۱- جنگ ۳۰ ساله اروپا (۴۸ - ۱۶۱۸م) آخرین و مخربترین جنگ‌های مذهبی بود که به عنوان عواقب جنبش «دین‌پیرایی»، تمام اروپا را فرا گرفت. این جنگ زمانی آغاز شد که «پروتستان‌ها» در بوهم «جمهوری چک فعلی» بر ضد حاکم کاتولیک خود، «امپراتور مقدس روم»، فردیناند دوم پادشاه «اتریش»، قیام کردند، در نهایت قرارداد صلح وست فالیامضا شد و واحدهای سیاسی در قالب دولت - ملت شکل گرفتند. بعد از جنگ‌های ۳۰ ساله، دولت‌های سکولار به وجود آمدند.

فامیل و یا اقلیت‌ها و احزاب خود انگیزه اداره می‌نماید. در حقیقت نظام سیاسی اکثر کشورهای اسلامی در حال حاضر مبتنی بر اندیشه سکولاریسم اروپایی است، چه کشورهایی که علناً گرایش به غرب دارند و چه کشورهایی که دم از استقلال می‌زنند، نظام اقتصادی این کشورها نیز کاملاً غیر اسلامی و بر اساس الگوی سرمایه داری غرب استوار می‌باشد؛ از طرفی چون اقتصاد و صنعت غرب، احتیاج به مواد اولیه شرق دارد، لازم بود مقدمات و وسایل و زمینه‌های استعمار مستقیم و غیر مستقیم فراهم آید و فلسفه و نظام سیاسی غرب بر شرق اسلامی چیره شود.

در زمینه امور سیاسی نیز مشکلات فراوانی قابل تصور است که اهم آنها را می‌توان در امور زیر خلاصه نمود: وابستگی و عدم استقلال حکومت‌های دست نشانده، رقابت‌های قومی و قبیله‌ای و سیاسی، ملی‌گرایی سیاسی، تفکر ایجاد تفرقه بین ملت‌های مسلمان، فقدان هشیاری سیاسی، بی‌اطلاعی از وضعیت مسلمانان جهان، غفلت از نیرنگ‌های بیگانگان، هماهنگی رجال سیاسی در برخی از کشورهای اسلامی با سیاست‌های استعماری، خود کم بینی مسلمین در برابر قدرت‌های جهانی، غلبه روح یأس نسبت به امکان بازگشت مجدد عظمت گذشته اسلام، نبودن اندیشه و تفکر تشکیل حکومت و نظام سیاسی در بین اکثریت مسلمانان و... بررسی مشکلات یادشده نشان می‌دهد که مشکل اصلی در جهان اسلام، حکومت‌ها هستند و این مشکلات از حکومت‌ها به کشورها و ملت‌های اسلامی نیز منتقل می‌گردد.

پس از حادثه یازده سپتامبر که از نظر بحران سازی به عنوان یک نقطه عطف در استراتژی جهانی به شمار می‌آید عالم اسلام بیشتر از هر زمان به یکپارچگی و پرهیز از اختلافات داخلی نیاز داشته است. این نیاز روز به روز ضرورت بیشتری یافته بویژه آن که ایجاد اختلاف راهکاری است که همواره در طول تاریخ، پاسخ مناسبی در جهت تأمین منافع استعمارگران داده است.

حزب حاکم بر کاخ سفید، این واقعه را مقدمه تحقق یک جنگ صلیبی ساختند و براساس آموزه‌های تئوری جنگ تمدن‌ها درصدد بودند آخرین رویارویی تاریخ را برای برقراری استیلای خود در هزاره سوم رقم بزنند.

آنان با بزرگ نمایی خطر گروهی تندرو ( القاعده و طالبان ) که اتفاقاً زائیده سیاست‌های خود آنان بود و تسری اندیشه‌های خطرناک این گروه به کل عالم اسلام؛ این طور وانمود کردند و می‌کنند که دشمن اصلی امنیت فراگیر، مسلمانان هستند.

این جریان‌های فکری که در غرب وجود دارد، در صدد هستند حضور مسلمانان را بر پایه یک شبیح‌شناسی استوار نمایند<sup>۱</sup>. آنها معتقدند مسلمانان متعلق به دوره سنت هستند و لذا به مثابه ارواح که واقعاً وجود ندارند، به افسانه شبیه هستند. شاید معنای جمله، این باشد که مسلمانان مانند ارواح به نظر نمی‌آیند، اگرچه واقعاً وجود دارند و در جای خود مورد استفاده قرار می‌گیرند و یا اینکه ارواح علی‌رغم اینکه وجود ندارند اما ترسناک هستند و مسلمانان چنین ترسی را ایجاد می‌کنند.

آنان ضمناً ایده‌های دیگر خود از جمله طرح خاورمیانه بزرگ را نیز در سایه همین نگرش دنبال کردند. البته این ماجرا باعث پیدایش موج بیداری اسلامی در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه و بازگشت ملل مسلمان به دین و معنویت اسلامی و همچنین فعال شدن اندیشه سیاسی جهان اسلام گردید که اکنون در تونس، مصر، بحرین، لیبی، یمن و ... شاهد آن هستیم.

همانطور که پیش از این توضیح داده شد؛ روند تقریب بین مذاهب اسلامی که بعد عملی هم‌گرایی جهان اسلام را تشکیل می‌دهد در حیطه سیاست و اجتماع نیز با آسیب‌ها و چالش‌های زیادی روبه‌رو است که به عنوان عوامل قوی بازدارنده در راه رسیدن به نتایج مثبت در راستای تقریب و انسجام اسلامی مطرح اند. وجه غالب این گونه آسیب‌ها مربوط به حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی کشورهای اسلامی می‌شود. حل این مسائل جز با آگاهی نسبت به اسلام؛ توأم با تهذیب نفس و هشیاری حاکمان در ابعاد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی میسر نیست.

---

۱ - «مقاله: نسبت بنیادگرایی اسلامی و مدرنیته: تعامل یا تقابل» بخشایش اردستانی - احمد، فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال دوم، شماره ۶.

به هر حال قرآن کریم با تأکید بر وحدت مسلمین در قالب « چنگ زدن به ریسمان الهی »<sup>۱</sup>، مسلمانان را به اتحاد دعوت می کند. پس از نبی مکرم اسلام (ص)<sup>۲</sup> و حضرات ائمه معصومین (علیهم السلام)<sup>۳</sup>، و علمایی مانند شیخ مفید<sup>۴</sup> و شیخ صدوق<sup>۵</sup>، در قرون اخیر مصلحان زیادی در جهان اسلام نظیر شیخ جعفر کاشف الغطاء، سید جمال الدین اسدآبادی، آیت الله العظمی بروجردی، شیخ شلتوت، شیخ محمد عبده، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ عبدالرحمن کواکبی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، سید عبدالحسین شرف الدین، شیخ سلیم بشری، امام خمینی و آیت الله خامنه ای با فتاوی خود بر پیوستگی و انسجام مسلمانان علیرغم اختلافات عقیدتی تأکید می ورزیدند. فتوای اخیر آیت الله خامنه ای مبنی بر منع تشیع از بی احترامی به بزرگان اهل سنت و همچنین همسران پیامبر و در مقابل فتوای اخیر شیخ الازهر مصر ( شیخ محمدسید طنطاوی ) بر احترام به مذهب تشیع می تواند شاخص هایی از تقریب مذاهب اسلامی باشد .

یک پارچگی و وحدت در جهان اسلام از نگاه جمهوری اسلامی ایران از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. دشمنی امریکا و ایران که اینک بعد از چند دهه به یک سنت تاریخی تبدیل شده است به نقاط حساس خود نزدیک می شود؛ بهانه هایی چون انرژی هسته ای، حقوق بشر، دموکراسی و... اکنون این امکان را به امریکا داده است که بتواند اقدامات هژمونیک خود را در سطح آشکارتر دنبال کند. از سوی دیگر حضور نیرو های امریکایی در خاک همسایگان ایران و ده ها مسأله دیگر اقتضا می کند که جمهوری اسلامی ایران بیش از هر زمان دیگر به دنبال هم سوئی و هم فکری در جهان اسلام برآید نه به دنبال تحریک اقلیت هایی که فقط می تواند آب را گل آلود کند و دشمن بتواند از این آب گل آلود ماهی بگیرد. در مبانی نظری جمهوری اسلامی ایران، اندیشه غلبه بر جهان اسلام نه تنها جایگاهی نداشته است ، بلکه همواره برای اتحاد و هماهنگی جهان اسلام تلاش های بسیاری صورت گرفته است. اصل صد و پنجاه و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت این مسئله را تبیین میکند: « جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را

---

<sup>۱</sup> - سوره : آل عمران آیه : ۱۰۳

آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد. بنابر این در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند.» این مسأله برای کسانی که تصور صحیحی از واقعیت های تلخ حاکم بر روابط بین الملل ندارند، شاید قابل درک نباشد ولی واضح است که استراتژی واحد در برابر رفتار های سلطه جویانه و امپریالیستی قدرت های بزرگ دارای چه معنی می باشد

## ۱-۲ هدف های تحقیق

دغدغه ذهنی محقق به دنبال واشکافی این مسئله است که چرا مسلمانان علیرغم داشتن کتاب واحد ( قرآن کریم )، اصول واحد، نمازهای پنج گانه اتحاد بخش و قبله واحد و غم ها و شادی های مشترک نمی توانند متحدانه در مقابل استعمار بایستند و از منابع اولیه و زیر زمینی و سرمایه های اجتماعی خود دفاع نمایند . در صورت تحقق اتحاد جهان اسلام، منافع آن چیست؟ چه کشورها و یا نظام هایی از این ابزار می توانند بهتر سود جویند. چگونه ارزش های دینی و نشر آن می تواند بر گسست هایی که بین دولت های اسلامی وجود دارد، فائق آید. وظیفه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی چیست؟ چه میزان در آگاه بخشی مسلمانان در واژه های مشترک همچون جهاد ابتدایی، خشونت، تروریسم و استفاده ابزاری از آن توسط عده ای از فرق اسلامی تأثیر گذار است؟

## ۱-۳ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن

به نظر می رسد این موضوع از نظر میزان تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران بر محورهای انسجام و در سطح بالاتر اتحاد اندیشه ای اعم از سیاسی، اجتماعی و اقتصادی امت اسلامی حائز اهمیت باشد . پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شرایطی را مهیا کرد تا جریان های اسلامی منطقه دیگر بار با افتخار از تعلق خود به اسلامگرایی سخن بگویند، بی آنکه دیگر امکان متهم کردن آنان به مزدوری استعمار میسر باشد. جریان های مختلف اسلامی در تمام کشورهای منطقه در پرتو این فضا قد علم کردند و آرام آرام در میان

توده‌ها به ویژه نسل جوان نفوذ گسترده‌ای یافتند. آنچه در این روند به یاری آنان شتافت، الگوی ارائه شده از سوی انقلاب اسلامی ایران بود. پیش از آن جریان های اسلامی سنی برای بسیج توده‌ها به بازسازی الگوی خلافت تمسک می‌جستند. امری که در پرتو رشد اندیشه‌های مردم‌سالاری و تحولات شگرفی که در مناسبات اجتماعی پدید آمده بود جذابیت خود را از دست داده بود. جریان های اسلامی شیعی نیز اساساً ایده قابل توجه و پرجاذبه‌ای مطرح نمی‌کردند و صرفاً به بیان کلیات بسنده می‌کردند. اما با ظهور انقلاب اسلامی در ایران الگویی ارائه شد که مردم در آن نقش اساسی داشتند و با تکیه بر آنان بود که می‌شد به مصاف نظام های فرسوده رفت.

الگوی جدید اسلامی نوسازی جامعه در ابعاد مختلف را در دستور کار داشت و به هیچ وجه با دستاوردهای مختلف بشری مخالفت نمی‌کرد، این الگوی جدید به جای آنکه با مردم‌سالاری مقابله کند آن را به اهرمی برای اجرای احکام اسلام مبدل ساخت و استقلال‌طلبی را به شعار اصلی خود مبدل ساخت. بدین ترتیب فضا برای فعال‌شدن اسلام‌گرایان و حضور آنان در تحولات اجتماعی، سیاسی فراهم شد.

به عنوان نمونه فلسطین همواره به عنوان کانون تحولات خاورمیانه مورد توجه جریان های مختلف فکری قرار می‌گرفت و همه جریان های سیاسی اعم از چپ و یا ناسیونالیست می‌کوشیدند تا مسأله فلسطین را به گونه‌ای مطرح کنند که با رنگ و بوی آنان تناسب داشته باشد. اما در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، ناکارآمدی این جریان ها در ارایه یک نسخه متناسب با حجم این مسأله آشکار شده بود. در این شرایط بود که انقلاب اسلامی نسخه جدیدی برای این مسأله ارائه کرد که «حضور مردم در صحنه»، «مقاومت» و «تکیه بر ایدئولوژی اسلامی» اصلی‌ترین مشخصه‌های آن بودند.

این نسخه خیلی زود جای خود را در منطقه باز کرد و به عنوان مدعی جدید به صحنه آمد تا دیگر جریان ها را به مصاف بخواند. تحولات فلسطین و حضور پر قدرت اسلام‌گرایان در آن به نماد حضور جدی جریان اسلامی در منطقه مبدل شد و تأثیر خود را بر جای‌جای این منطقه حساس نمایان ساخت. این همه جز با

پیروزی انقلاب اسلامی میسر نبود. لازم به ذکر است که تأثیر انقلاب اسلامی بر اندیشه سیاسی اسلام اعم از شیعه و سنی امر دیگری است که گاه مورد بررسی قرار گرفته است. نزدیک کردن دیدگاه‌های مذاهب مختلف اسلامی از جمله دستاوردهای این انقلاب عظیم است که اینک از سوی دشمنان منطقه و برخی جریان‌های افراطی ناآگاه مورد هدف قرار گرفته است.

## ۱-۴ سوالات و فرضیه‌های تحقیق

سؤال اصلی تحقیق:

علل شکل‌گیری اندیشه تقریب بین مذاهب اسلامی در جمهوری اسلامی چیست؟

سوالات فرعی:

وظایف مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی چه می‌باشد؟

آیا در سایر کشورهای اسلامی چنین مؤسسه‌ای وجود دارد؟

آیا علیرغم وجود تفاوت‌ها و اختلافات عقیدتی بین گروه‌های اسلامی می‌توان جنبه‌های مشترک را پررنگ

تر و اختلافات را کم‌رنگ‌تر نمود؟

فرضیه‌های تحقیق:

- فرضیه اصلی:

جمهوری اسلامی ایران با تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در پی تثبیت موقعیت خود به عنوان ام‌القری جهان اسلام و قرارگرفتن در محور احیاء تفکر وحدت در جهان اسلام و نیز ارتقاء منزلت مذهب تشیع بین مسلمانان جهان می‌باشد.

- فرضیه جانشین (صفر):

جریان‌ات مرموزی در جهان همواره به دنبال القاء این ذهنیت به منظور ایجاد وحشت در بین سایر کشورهای اسلامی بوده‌اند که؛ ایران برای تثبیت قدرت سیاسی خود در منطقه و اخذ قیومیت جهان اسلام تلاش می‌کند.

کند و در پی صدور انقلاب و یا اندیشه اسلام انقلابی به دیگر کشورهای اسلامی می باشد و از اندیشه تقریب بین مذاهب اسلامی نهایتاً برای ایجاد «هلال شیعی» استفاده می کند.

## ۱-۵ مدل تحقیق

با استفاده از مباحث منطقی و روش شناختی و نگرش واقع بینانه به علل و پیدایش شکل گیری اندیشه تقریب بین مذاهب اسلامی در جمهوری اسلامی ایران و همچنین پرهیز از نظریه پردازی آرمان گرایانه؛ این تحقیق در قالب سطح تحلیل تاریخی، توصیفی و بر اساس معیارهای ملی - منطقه ای و میزان تاثیر گذاری آن در سطح بین المللی ارائه گردیده است.

## ۱-۶ تعاریف عملیاتی متغیرها و واژه های کلیدی

- متغیر مستقل: تشکیل مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی و بسط آن در جمهوری اسلامی ایران.
- متغیر وابسته: تلقی جمهوری اسلامی ایران به عنوان پایگاه جهان اسلام (ام القری) در همبستگی، همکاری و نهایتاً هم گرایی با سایر کشورهای اسلامی و ارتقاء منزلت مذهب تشیع در نزد سایر مذاهب اسلامی.
- متغیر واسطه: میزان مشروعیت جمهوری اسلامی ایران در افکار عمومی مردم ایران.
- واژه های کلیدی: اندیشه سیاسی / ایدئولوژی / نظام سیاسی / تقریب / تعصب / اسلام / مذهب / شیعه / سنّی / امت / ملت / اتحاد / اشتراک / انسجام / تفرقه / استعمار / وابستگی / جهاد / خشونت

## ۷-۱ تعریف مفاهیم

اندیشه سیاسی: در تعریف اندیشه سیاسی ابتدا باید اندیشه را تعریف نمود؛ در نزد منطق دانان، فکر یا اندیشه، حاصل دو حرکت تعریف شده است: حرکت از مجهول مطلوب به سوی معلومات و از معلومات به سوی مجهول مطلوب، برای روشن ساختن مجهول<sup>۱</sup>.

مرحوم مظفر با دقتی بیشتر، فکر را چنین تعریف کرده است:

انجام عملیات عقلی در معلومات حاضر در ذهن، برای دستیابی به مطلوب.

وی در این عملیات عقلی، پنج مرحله را از هم تفکیک کرده است:

۱. روبرو شدن با مشکل که همان مجهول است.

۲. شناخت نوع مشکل، چرا که گاهی با مشکلی روبرو هستیم که از نوع آن آگاهی نداریم.

۳. حرکت عقل مرحله اول، از مشکل به معلوماتی که نزدش آموخته است.

۴. حرکت عقل مرحله دوم میان معلومات، برای بررسی آنها تا آنچه را برای مشکل مناسب است، گرد آوری

کرده، در جهت حل آن مشکل به سامان آورد. از حیث روان شناختی اندیشه می تواند شامل حرکت های

ذهنی باشد. اما اگر به جامعه شناسی علم توجه داشته باشیم، خواهیم دید که در عمل، حرکت اول و دوم تنها

حیث ذهنی ندارند. یک پرسش گر تنها به محتویات ذهنی خود مراجعه نمی کند و تنها به دسته بندی آنها

برای یافتن معلومات مناسب با مجهول نمی پردازد، بلکه به آنچه در جامعه علمی یافت شده، مراجعه می کند

و با دسته بندی آنها معلومات مناسب با مجهول خود را ردیابی می کند تا بدان دست یابد و سپس حرکت

سوم را که فقط حیث ذهنی دارد، انجام می دهد. بنابر این، بهتر است با توسعه در این تعریف، دو حرکت اول

---

۱ - سبزواری، ملا هادی، اللبالی المنتظمة فی علم المنطق (شرح منطق منظومه)، چاپ سنگی ۱۳۱۸ ص ۸. و نیز: «اجراء عملیة عقلیة فی

المعلومات الحاضرة لأجل الوصول إلى المطلوب»؛ المنطق، مظفر، محمد رضا، اسماعیلیان، ۱۳۷۷، چاپ اول، ص ۱۸.

را به حرکت علمی در جامعه علمی نیز تعمیم دهیم. این نکته، به نحو اولی، شامل اندیشه برای جعل اعتباریات نیز می شود.

۵. حرکت عقل مرحله سوم از معلومات گردآوری شده، از آنچه نزد او است، به سوی مطلوب.

اندیشه سیاسی؛ اندیشه ای درباره پدیده های سیاسی است و پدیده سیاسی نیز، در جامعه سیاسی تحقق می یابد. بنابراین، نقطه آغاز بررسی چیستی اندیشه سیاسی، نظر به جامعه سیاسی و شناخت چیستی آن است. طرح سؤالاتی نظیر چه کسی باید حکومت کند؟ چرا باید حکومت کند؟ چگونه باید حکومت کند؟ و سؤالاتی از این دست بیانگر ماهیت اندیشه سیاسی است.

انسان ها در کنار یکدیگر زندگی می کنند. در زندگی اجتماعی، روابطی میان افراد تعریف می شود و افراد در اجتماع، دارای پایگاه و نقش های تعریف شده اند؛ به گونه ای که اگر در اجرای این نقش ها، خلل یا سستی صورت بگیرد، جامعه دچار تنش می شود و اگر خلل یا سستی از حد بگذرد، جامعه از هم می پاشد. در حیات اجتماعی حیواناتی مانند زنبور یا مورچه، این نقش ها به گونه غریزی تعریف شده اند؛ اما برای انسان چنین نقش هایی به صورت غریزی تعریف نشده است و برای مثال، هیچ کس به نحو غریزی و تکوین طبیعی پادشاه یا وزیر یا خیاط یا آشپز نیست. با اینکه انسان بالطبع اجتماعی است؛ در همان حال دارای شعور و اراده فردی است و این ویژگی موجب می شود که جامعه انسانی حاصل نظم غریزی و بدون انگیزه عقلانی نباشد و روابط اجتماعی در یک تعامل عقلانی شکل بگیرند. این نکته سرچشمه پیدایش جامعه و اندیشه سیاسی است.

**ایدئولوژی:** ایدئولوژی از دو واژه ایده و لوگوس با ریشه یونانی و به معنای « اندیشه شناسی » پدید آمده است.

ایدئولوژی، به مجموعه ای از باورها و ایده ها اطلاق می شود که بعنوان منبع توجیه اعمال، رفتار و انتظارات یک فرد عمل می کند. مفهوم ایدئولوژی همچون بسیاری مفاهیم دیگر در حوزه علوم انسانی تعاریف متعددی

را در طول تاریخ و در مکاتب متفاوت داشته است. واژه ایدئولوژی نخستین بار توسط دوستوت دو تراسی فیلسوف و اشراف زاده فرانسوی دوران روشنگری در سال ۱۷۹۵م به معنای «دانش آراء و عقاید» به کار رفت تئون وندایک زبانشناس انتقادی برجسته هلندی تحقیقات زیادی راجع به مفهوم ایدئولوژی داشته است. وی معتقد است که ایدئولوژی بعنوان نظامی از باورها تعاریف گوناگونی را داشته است اما آنچه در تمامی این تعاریف مشترک است این است که ایدئولوژی در حافظه جمعی افراد قرار می گیرد و در نتیجه ایدئولوژی جنبه ای شناختی و روانی دارد.<sup>۱</sup>

**نظام سیاسی:** نظام سیاسی مجموعه به هم پیوسته نقش های سیاسی است که وظیفه اصلی اش حفظ تعادل نظام اجتماعی به اشکال گوناگون همچون: مجازات مجرمان، حل و فصل منازعات و درگیری ها، دفاع از جامعه در مقابل جوامع دیگر و ارتباط درست با آنها همچنین یافتن راه حل برای رفع مشکلات اساسی است. جامعه در سطوح مختلف در عین حال که دارای یگانگی و وحدت است، دچار تعارض و برخورد نیز می شود. حدود این تعارض و برخورد افراد و گروه ها توسط نظام سیاسی و به وسیله قانون مشخص می شود و ازسویی، حل دعواها و درگیری ها به نقش های سیاسی که اختیار استفاده از زور را دارند، محول می شود. به عبارت دیگر، تعادل درونی جامعه را نظام سیاسی برقرار می کند. از سوی دیگر، دفاع از جامعه در مقابل جوامع دیگر و ارتباط درست با آنها از وظایف و نیز کارکرد های نظام سیاسی است.<sup>۲</sup>

**تقریب:** [ ت ] (ع مص) نزدیک کردن . (تاج المصادر بیهقی) . نزدیک گردانیدن . (زوزنی) (ترجمان جرجانی ترتیب عادل بن علی) (منتهی الارب) (غیاث اللغات) (آندراج) (ناظم الاطباء) (از اقرب الموارد). نزدیک گردانیدن بخدا : الانام القادر بالله... بما قدمه من افعال الخیر المقربه الیه . (تاریخ بیهقی چ ادیب ص ۳۰۰ || نزدیک و نزدیکی . (ناظم الاطباء). پیش آوردن امیر کسی رادر خدمت خود و از نزدیکان ساختن او را. (از

۱ - توحید فام، محمد، چرخش های ایدئولوژی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱، ص ۴۱.

۲ - کوئن، بروس: مبانی جامعه شناسی، توسلی و فاضل، چاپ دوازدهم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۹۱.

اقرب الموارد: (وی برادر ابوالفتح حاتمی است و نایب برید است و بوالفتح این تقریب از برادر کرده باشد. (تاریخ بیهقی چ ادیب ص ۳۲۶. کافه<sup>۱</sup> مردم را بر ترتیب و تقریب و نواخت براندازه بداشت. (تاریخ بیهقی ایضاً ص ۳۸۵ دمنه بدید که شیر در تقریب گاو... ترحیب می نماید. (کليلة و دمنه). در تقریب او [گاو] مبالغتی رفت. (کليلة و دمنه). پسر او شاه شار به خدمت تخت سلطان آمد و از تقریب و ترحیب بهره<sup>۲</sup> تمام یافت. (ترجمه<sup>۳</sup> تاریخ یمینی چ 1 تهران ص ۳۴۰. || قربان خوراندن کاهن کسی را. (از اقرب الموارد. || (دردگین تهیگاه گردیدن. (منتهی الارب) (آندراج) (ناظم الاطباء) (از اقرب الموارد). || حیاک الله و قرب دارک گفتن. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء) (از اقرب الموارد). || قربان کردن. (ترجمان جرجانی ترتیب عادل بن علی) (زوزنی) (از اقرب الموارد). || اسب هر دو دست و پای بیک بار برداشتن و بنهادن در تک. (تاج المصادر بیهقی) (زوزنی). نوعی از دویدن اسب کمتر از حضر و آن بهم برداشتن هر دو دست است و بهم نهادن آن را. (منتهی الارب) (آندراج) (ناظم الاطباء) (از اقرب الموارد). برداشتن اسب دو دست را بهم و بنهادن آن بهم (مهذب الاسماء)<sup>۱</sup>.

تقریب در مفهوم عام، جنبش نزدیکی ادیان است و در مفهوم خاص، حرکتی است که علمای مذاهب اسلامی آن را پایه گذاری کرده اند و هدف از آن نزدیک ساختن شیعیان و اهل سنت به یکدیگر و رفع اختلاف، و گاه خنثی کردن دشمنی مسلمانان، به منظور متحد کردن آنان است.

**تعصب:** (تَعَصُّبٌ) [ع. ع.] ۱ - (مص ل.) از چیزی سخت جانبداری کردن. ۲ - (امص) حمیت، عصیت. ۳ - سخت گیری<sup>۲</sup>.

تعصب و عصیت به معنای حمایت کردن و مدافعه نمودن است

۱- لغت نامه های دهخدا و معین.

۲- همان.

«عصبيت یکی از اخلاق باطنه نفسانیه است که آثار آن مدافعه کردن و حمایت کردن از خویشاوندان و مطلق متعلقان است، چه تعلق دینی و مذهبی و مسلکی باشد یا تعلق وطنی و آب و خاک یا غیره آن، مثل تعلق شغلی و...»<sup>۱</sup>.

از دیدگاه آموزه های اسلامی تعصب به دو بخش تقسیم می شود:

- ۱- تعصب مذموم و ناپسند: اگر حمایت همه جانبه از خود یا متعلقات خود به گونه ای باشد که انسان را از درک حقیقت و رسیدن به واقعیات دور کند و تنها معیار انسان در حمایت و دفاع کردن از چیزی فقط حب و بغض نفسانی باشد نه معیارهای منطقی و دینی. قرآن مجید از آن به عنوان تعصب جاهلانه نام برد.
- ۲- تعصب ممدوح و پسندیده: در صورتی که حمایت انسان و تعصب او فقط به خاطر دفاع از حق باشد و هیچ گونه حب و بغض نفسانی وجود نداشته باشد چنین تعصبی ممدوح بوده و از بهترین صفات کمال انسانی و اخلاق انبیاء اولیاء الهی به حساب می آید. به فرموده امام علی علیه السلام، تعصب باید در صفات شایسته و کارهای نیک و پسندیده باشد.<sup>۲</sup>

**اسلام:** اسلام در زبان عربی از ریشه (س-ل-م) است. معنی لغوی این ریشه سالم شدن و از آفات رهایی یافتن است «سلام» نیز مشتق شده از همین ریشه است. سپس از آن مصدر ثلاثی مزید به صورت «أسلم» إسلاماً» به معنی لغوی تسلیم و فرمانبردار شدن و خدا را خالصانه و بی ریا پرستیدن مشتق شده و در نهایت معنی اصطلاحی مسلمان شدن را پیدا کرد. با توجه به معنی اسلام، «مسلم» (در فارسی: مسلمان) یعنی کسی که خدا را خالصانه و بی ریا می پرستد و اختیار خود را تسلیم امر و نهی او می کند.<sup>۳</sup>

**مذهب:** امام موسی صدر در تعریف مذهب می گوید: «کلمه «مذهب» به معنای «راه» است؛ چرا که اسم مکان و مصدر از ماده «ذهاب» است. پس مذاهب در اسلام به معنای راه هایی برای رسیدن به اسلام، درک ابعاد آن،

۱- امام خمینی، چهل حدیث، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۶، ص ۱۴۵.

۲- نهج البلاغه خطبه قاصعه.

۳- دایرةالمعارف اسلام.

و پرداختن به آیین های آن و اجتهاد دائمی در طول زمان است. بر این اساس، بیشترین التزام به مذهب این است که بعد واقعی‌اش را به آن عطا کنیم و در آن زیاده‌روی نکنیم. پس هدف اسلام است و مذاهب فقط وسیله و راه هستند و مسلمان پایبند نمی‌تواند هدف را فدای راه کند. این مبنای کلی است<sup>۱</sup>. مذهب در گذشته به مکتب های فکری درون یک دین (مانند مذاهب چهارگانه یا پنج گانه فقه اسلامی) اطلاق می شد. در مغرب زمین واژه ((Religion)) به معنای مکتب های درون یک دین و به معنای خود دین نیز به کار می رود. این اصطلاح در زبان عربی و فارسی به دو مفهوم بکار رفته است.

الف: مفهوم خاص که عبارتست از شاخه ای مخصوص از دین مانند مذاهب شیعه و سنی در دین اسلام.

ب: مفهوم عام و کلی که با مفهوم دین مترادف و همسان است. چنانکه گفته می‌شود مذهب اسلام و مذهب زرتشت که مقصود دین اسلام و دین زرتشت می‌باشد.

امت: به گروهی از انسان‌ها می‌گویند که برعکس ملت، لزوماً در یک کشور زندگی نمی‌کنند و ممکن است ساکن کشورهای مختلف باشند. افراد یک امت، در زمینه اعتقاد و التزام به ایدئولوژی و عقیده‌ای، مشترک هستند و خاک کشورهاشان چندان تأثیری بر اتحاد بین آنان ندارد. مفهوم امت صرفاً مفهومی عقیدتی است که از ریشه أمّ، یَوْمٌ مرادف قَصْدٌ، یَقْصُدُ می‌باشد. اطلاق أمّ بر مادر نیز بدان جهت است که کودک در زمینه نیازمندی های خود یا به جهت احساس آرامش او را قصد می‌کند. در واژه أمّ حالت زاینده گی که در واژه والده وجود دارد نیست بلکه مقصد و مقصود بودن و ملجأ بودن مادر نسبت به فرزند مطرح است. بر این اساس امت به مجموعه ای از انسان ها اطلاق می‌گردد که هدف و مقصد واحدی آنان را گرد هم جمع نموده

---

۱- مصاحبه امام موسی صدر با روزنامه کویته صوت الخلیج که در تاریخ ۵ مارس ۱۹۷۳ مطابق با ۱۴ اسفند ۱۳۵۱ زیر عنوان « اسلام و

مخاطب معاصر» به چاپ رسیده.

باشد. مرز میان امت‌ها مرزی عقیدتی است. همه آنان که بر محور توحید، نبوت و معاد متمرکز گشته‌اند، امت واحد اسلامی را تشکیل می‌دهند. از نظر اسلام امت مهمترین ملاک تقسیم بندی جوامع بشری است.<sup>۱</sup>

**ملت:** ملت را می‌توان یک واحد بزرگ انسانی تعریف نمود که عامل پیوند آن یک فرهنگ و آگاهی مشترک است. از این پیوند است که احساس تعلق به یکدیگر و احساس وحدت میان افراد متعلق به آن واحد پدید می‌آید. از جمله ویژگی‌های هر ملت اشغال یک قلمرو جغرافیایی مشترک است و احساس دلبستگی و وابستگی به سرزمین معین... پیوند مستقیم مفهوم ملت با دولت امر تازه‌ای است که تاریخ آن از پیدایش ناسیونالیسم جدید فراتر نمی‌رود و مربوط به تحولات فکری و سیاسی و اجتماعی اروپا در دو سده اخیر است... به همین دلیل واژه "ملت" نیز در گذشته معنای سیاسی امروزی را نداشته چنانکه در زبان فارسی کمابیش برابر "امت" یا پیروان دین بوده است.<sup>۲</sup>

**استعمار:** واژه‌ای است عربی و در بُن به معنای آبادی خواستن است. ولی امروزه استعمار معنای نفوذ و دخالت کشورهای زورمند در کشورهای ناتوان به بهانه آبادی و سازندگی است. ولی معمولاً استعمار در جستجوی به تاراج بردن دارایی کشورهای دیگر بوده است.

استعمار عبارتست از سیاست دول امپریالیستی که هدفش برده کردن و بهره‌کشی از سرمایه‌های کشورهای دیگر، سرمایه‌های کشورهای بی‌قدری که از نظر اقتصادی کم‌رشد است. دول امپریالیستی برای تحکیم سیطره خویش مانع تکامل فنی و اقتصادی و فرهنگی این کشورها می‌شوند. البته در قرون گذشته یعنی قبل از پیدایش امپریالیسم نیز استعمار سرزمین‌های غیر وجود داشته ولی ما در تعریف خود به استعمار در قرن بیستم توجه کرده‌ایم که خود به شکل تقسیم سرزمین‌های جهان و ایجاد امپراتوری‌های مستعمراتی یکی از وجوه مشخصه دوران امپریالیستی است. نیمکره ثروتمند شمالی بر کشورهای جهان سومی که عموماً بدون استفاده از نیروی

۱ - آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۷۳، ص ۳۰۷ - ۳۰۶.

۲ - همان منبع.

نظامی انجام می شود و غالباً با نفرت و انزجار روبروست را استعمار می نامیم . کشورهای استعماری به نحوی نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را بر کشورهای استعمار زده تثبیت می کنند:

استفاده از محصولات کشاورزی و مواد معدنی کشورهای استعمار زده به قیمت بسیار ارزان استفاده از کارگران ارزان قیمت کشورهای استعمارزده و بدست گرفتن بازار بزرگ مصرف کشورهای استعمارزده توسط استعمارگران<sup>۱</sup>.

**جهاد:** واژه «جهاد» از ریشه «ج-ه-د» به معنی کوشش و مبارزه و فعالیت است. این کوشش و مبارزه می تواند در عرصه های گوناگونی صورت گیرد از جمله کوشش در مبارزه با امیال درونی (جهاد اکبر) یا کوشش و مبارزه در راه دفاع از دین اسلام یا گسترش قلمرو اسلام (جهاد اصغر). جهاد یکی از فروع دین و از واجبات اسلامی است. کلمه جهاد حدود ۱۰۸ بار در قرآن آمده است. «و خداوند کسانی را که در راه او جهاد می کنند دوست دارد».

جهاد به صورت کلی به دو نوع جهاد دفاعی و جهاد ابتدایی تقسیم می گردد. جهاد دفاعی، جنگ و مبارزه ای است که در صورت تجاوز دشمنی به حریم مسلمین واجب و لازم می گردد و آیات متعدد قرآن به آن دستور می دهد. جهاد ابتدایی، جهادی است که مسلمانان در ابتدا به جنگ وارد می شوند، بدون اینکه طرف مقابل ابتدا جنگ را آغاز کرده باشد. غالب شیعیان، جهاد ابتدایی را تنها در زمان پیامبر یا امام معصوم ممکن می دانند و انجام آن را بدون اجازه معصوم خطا می دانند. برخی اندیشمندان اسلامی جهاد را در اسلام حتی در زمان امام معصوم تنها محدود به جهاد دفاعی می دانند<sup>۲</sup>.

---

۱ - آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۷۳- ص ۱۲ و نقل از فرهنگ علوم اجتماعی- باقر پرهام و همکاران- نشر مازیار

- ص ۵۷.

۲ - مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، ص ۶۶ و ص ۸۷.